

سازمان منطقه‌ای و توازن ژئوپلیتیک (نمونه موردی: هند-ویتنام)

افشین متقی^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰

چکیده

خصوصیت تاریخی هند - پاکستان بر سر کشمیر و رقابت این دو کشور در منطقه، بر محیط امنیتی جنوب آسیا سایه افکنده است. همین امر باعث شده است دو کشور در جستجوی دوستان و متحدانی در سطح منطقه و خارج از منطقه باشند که این امر به نوبه خود باعث شکل‌گیری نوعی توازن قوای دو قطبی در جنوب آسیا شده است. این در حالی است که ابتکار عمل پاکستان در سطح منطقه‌ای بیشتر از هند بوده و پاکستان در بارگیری منطقه‌ای موفق‌تر از هند عمل کرده است. در سطح منطقه‌ای مهمترین متحد استراتژیک هند، ویتنام، و مهمترین متحد استراتژیک پاکستان، چین است. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سوال است که روابط هند-ویتنام بر چه اساسی شکل گرفته است؟ نتایج این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، نشان می‌دهد که شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای با محوریت هند-ویتنام ناشی از احساس تهدید دو کشور از جانب چین بوده است و اتحاد پاکستان-چین نیز به واسطه تهدیدی است که این دو کشور از جانب هند احساس می‌کنند. از این رو می‌توان گفت قدر مشترک معادلات هند-محور در جنوب آسیا، ضدیت با چین و پاکستان و قدر مشترک معادلات پاکستان - محور نیز ضدیت با هند بوده است. این امر در تمام معادلات سیاسی - امنیتی موجود در جنوب آسیا مشهود است.

واژگان کلیدی: ترتیبات سیاسی - امنیتی، جنوب آسیا، موازنه قدرت، هند، ویتنام.

- مقدمه

جنوب آسیا یکی از شکننده‌ترین و بحران‌خیزترین مناطق جهان است. این منطقه مهم که شامل کشورهای بنگلادش، بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان و سریلانکا است، یکی از بی‌ثبات‌ترین و پرجمعیت‌ترین مناطق دنیا بوده و عرصه‌ی بی‌ثباتی‌های روزانه، بحران‌های بین‌المللی پی‌درپی، جنگ‌های بزرگ و کوچک و اوضاعی نابسامان است. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث ناامنی منطقه‌ای در جنوب آسیا شده، بحران کشمیر است. اختلاف دو کشور هند و پاکستان بر سر کشمیر باعث شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی در جنوب آسیا شده است. این ترتیبات عمدتاً هند-محور یا پاکستان-محور هستند، چرا که مسائل جنوب آسیا اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی اصولاً متأثر از روابط هند و پاکستان است. همین امر باعث شده تا فضایی دو قطبی در جنوب آسیا شکل گرفته که در یک سر آن محور هند-آمریکا و در سر دیگر آن محور چین-پاکستان قرار گیرد (Sharma, 2010: 3). این فضای امنیتی در حال شکل گرفته که پاکستان در یاریگیری منطقه‌ای موفق‌تر از هند عمل کرده؛ در مقابل هند در سطح فرماندهی‌های ابتکار عمل بیشتری از خود نشان داده است.

یکی از مشکلات اساسی سیاست خارجی هند نداشتن متحدان واقعی در منطقه است. هند در جنوب آسیا که محیط پیرامونی این کشور را تشکیل می‌دهد و مهمترین چالش‌های امنیتی این کشور نیز در همین منطقه قرار دارد، فاقد متحدان واقعی بوده؛ از این رو این کشور به دنبال متحدانی خارج از منطقه-خصوصاً در مناطق همجوار- است تا بتواند از محیط تنگ جنوب آسیا بیرون آمده و اقدامات چین جهت «محاصره» دهلی نو را خنثی سازد. یکی از مناطقی که در راستای این استراتژی مورد توجه ویژه هند قرار گرفته، منطقه جنوب شرق آسیا است. این منطقه به دلیل همجواری با چین-مهمترین رقیب استراتژیک هند در منطقه و آسیا- و نیز به دلیل رشد بالای اقتصادی، مورد توجه ویژه هند قرار گرفته است (Blank, 2015: 13).

بنا به اهمیت ویژه جنوب شرق آسیا در سیاست خارجی هند، سیاست سازان هندی اقدام به طراحی استراتژی جدیدی در قبال این منطقه نمودند؛ این استراتژی که به سیاست «نگاه به شرق»^۱ موسوم است، در اوایل دهه ۱۹۹۰ با هدف ویژه همگرایی اقتصادی و همکاری سیاسی با کشورهای جنوب شرق آسیا توسط نخست وزیر، ناراشیم‌ها رائو^۲ مطرح شد. این سیاست ناشی از یک رویکرد عملگرایانه در سیاست خارجی هند بود. هدف این سیاست همچنین گسترش منطقه نفوذ هند به وسیله توسعه روابط امنیتی در همه مناطق-خصوصاً در جنوب شرق آسیا- به منظور تبدیل شدن به یک بازیگر بزرگ در موازنه قدرت در حال ظهور در آسیا بود (Goshal, 2009: 3).

از طرف دیگر جنوب شرق آسیا حلقه بیرونی سیاست خارجی هند را تشکیل می‌دهد. استراتژی کلان هند، جهان را به سه دایره متحدالمرکز تقسیم می‌کند. اولین دایره، همسایگان نزدیک هند را در بر می‌گیرد. در محیط این دایره، هند در صدد کسب موقعیت هژمونی است تا به واسطه آن بتواند با حضور قدرت‌های دیگر در این منطقه مقابله کند. دایره دوم، منطقه وسیع‌تری از همسایگان هند را در بر می‌گیرد که محیط آن را آسیا و کشورهای حاشیه اقیانوس هند تشکیل می‌دهند. در این محیط، هند در پی ایجاد موازنه در مقابل سایر قدرت‌ها و ممانعت از تضييع منافع خویش

^۱ - Look East

^۲ - Narashimha Rao

توسط آن‌ها می‌باشد. در دایره سوم که در واقع کل جهان را در بر می‌گیرد، تلاش هند در جهت کسب جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش کلیدی در صلح و امنیت بین‌المللی است (توحیدی، ۱۳۸۶: ۶). جنوب شرق آسیا به همراه خلیج فارس و آسیای مرکزی، حلقه بیرونی سیاست خارجی و امنیتی هند را تشکیل می‌دهند که برای امنیت هند دارای اهمیت اساسی است. از میان کشورهای جنوب شرق آسیا، ویتنام و میانمار دارای روابط ویژه‌ای با هند هستند (Thayer, 2014: 6). در حالی که میانمار در رابطه با دهلی نو در پی ایجاد یک توازن استراتژیک بین چین و هند در سیاست خارجی خود است، ویتنام در پی ایجاد یک «شراکت استراتژیک واقعی» با هند است. هند نیز به دلیل موقعیت استراتژیک ویژه ویتنام، دارای این حس مشترک نسبت به هانوی است. براین اساس، چهارچوب تئوریک مورد استفاده در این پژوهش، تئوری موازنه قوای کلاسیک مورگنتا است.

تحقیق حاضر، از نظر ماهیت، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است. چگونگی گردآوری منابع و اسناد نیز به شیوه کتابخانه‌ای می‌باشد که با مراجعه به مهمترین منابع مرتبط با موضوع تحقیق از جمله کتاب، مجله، روزنامه و منابع اینترنتی گردآوری و سپس تجزیه و تحلیل شده است.

- چارچوب نظری

- موازنه‌ی قوا

تئوری موازنه قوا به عنوان قدیمی‌ترین، با دوام‌ترین و بحث‌برانگیزترین تئوری در سیاست بین‌الملل مطرح است و به طور تلویحی پذیرفته شده است که پیدایی و کاربرد این تئوری به هند و یونان باستان برمی‌گردد؛ چرا که بسیاری معتقدند که بین دولت-شهرهای یونان (آتن و اسپارت) و همچنین دولت‌های محلی هند باستان نوعی موازنه-هرچند به صورت بسیار سنتی-برقرار بوده است. اگرچه برخی معتقدند که آثار عملی موازنه قوا در دوره استقلال دولت شهرهای یونان قدیم قابل مشاهده است، اما همه نویسندگان سیاسی متفق القولند که این تئوری به طور عملی از قرن شانزدهم وارد صحنه تاریخ شده است و از این جهت قرون ۱۶، ۱۷ و ۱۸ را دوران طلایی موازنه قوا به شمار می‌آورند. این تئوری در این سه قرن بهتر از هر عصر دیگری عمل نمود و قرن شانزدهم در واقع ادامه فعالیت این دستگاه می‌باشد (علی بابایی، ۱۳۷۰: ۱۰۰-۹۹). موازنه قوا راهبرد صلحی است که از طرف رئالیست‌ها جهت حفظ ثبات و امنیت سیستم ارائه شده است.

هانس جی مورگنتا که به همراه ریمون آرون از پیشگامان رئالیسم سنتی است و عموماً نظریه موازنه قوا با نام او شناخته می‌شود، با شدت تمام از فقدان قدرت حاکم بین‌المللی دفاع کرده است. وی آنچنان در پدیده قدرت غرق شده است که آن را هم غایت و هم وسیله سیاست می‌داند. به نظر او الگوی رفتار دولت‌ها در روابط بین‌الملل بر محور کسب قدرت قرار دارد؛ رفتار یک دولت انعکاسی از اقدامات معقول سیاسیون و نظامیان است که همواره می‌کوشند حداکثر منافع را در محدوده منطقی برای کشور خویش به دست آورند. در این برداشت پدیده قدرت به عنوان ابزاری تأثیرگذار بر روی عمل دیگران، محور اصلی تحلیل سیاست جهانی است (کاظمی، ۱۳۷۱: ۳۶-۳۴).

مورگنتا معتقد است که همه کشورها دائماً سعی دارند هدف‌ها و منافع ملی خود را با اعمال قدرت نظامی به دست آورند. در نتیجه این اعمال قدرت نوعی جنگ دائمی قدرت در جریان خواهد بود. هر کشوری به منظور دستیابی به

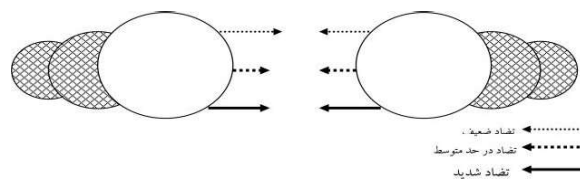
استقلال کامل و تأمین امنیت یا تعقیب منافع ملی خود دائماً برای جلوگیری از تسلط دیگران بر خود کوشش و تقلا می‌کند، بنابراین هرکشوری می‌کوشد از امکان ظهور هر نوع قدرت فائقه جلوگیری کند. اگر این اقدام با شکست مواجه شود و قدرتی فائقه پدید آید، دیگر کشورها بلافاصله برای ایجاد موازنه قوا با آن قدرت در نوعی جنگ با دیگران شرکت خواهند کرد (سیف زاده، ۱۳۷۴: ۶۲).

البته مورگنتا معتقد است در سیستم بین‌المللی مبتنی بر موازنه قدرت، همیشه باید یک قدرت سوم متوازن کننده برای تضمین ثبات بین‌الملل وجود داشته باشد. وظیفه قدرت متوازن کننده تضمین موازنه بین‌المللی قدرت است. این قدرت سوم بنا به مقتضیاتی که پیش می‌آید از نیروی که مورد تهدید قرار گرفته است، چنان حمایت می‌کند که قادر باشد خطر مزبور را دفع کند (سیف زاده، ۱۳۷۴: ۶۳-۶۲).

قدرت طلبی هریک از دولت‌ها ممکن است به دو طریق به کشمکش میان آن‌ها منجر شود و برخی از این دولت‌ها در لحظه خاصی از تاریخ رو در روی یکدیگر قرار گیرند، به عبارت دیگر مبارزه قدرت در صحنه بین‌المللی در دو الگوی نوعی می‌تواند تداوم یابد: الگوی تضاد مستقیم و الگوی رقابت.

– الگوی تضاد مستقیم

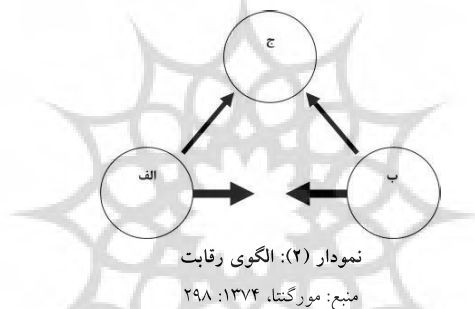
دولت «الف» ممکن است در قبال دولت «ب» به سیاستی امپریالیستی دست زده و دولت «ب» ممکن است با اتخاذ سیاست وضع موجود یا سیاست امپریالیستی با سیاست امپریالیستی دولت الف مقابله کند. این الگوی تضاد مستقیم میان دولتی است که می‌خواهد قدرت خود را بر دولت دیگر تحمیل کند و دولت اخیر از تسلیم شدن سرباز می‌زند. در این الگو، موازنه قدرت مستقیماً از تمایل هریک از دولت‌ها به تفوق سیاست خود بر سایر دولت‌ها ناشی می‌شود. «الف» می‌کوشد قدرت خود را در مقابل «ب» به حدی افزایش دهد که بتواند تصمیمات «ب» را کنترل کند و بدین ترتیب سیاست امپریالیستی خود را به موفقیت برساند. از سوی دیگر «ب» می‌کوشد قدرت خود را به حدی افزایش دهد که بتواند در مقابل قدرت «الف» مقاومت کند و بدین ترتیب سیاست «الف» را خنثی سازد یا در غیراین صورت به سیاستی امپریالیستی دست یازد که احتمال موفقیت دارد. در مورد اخیر، «الف» باید به نوبه خود قدرتش را افزایش دهد تا بتواند در مقابل سیاست امپریالیستی «ب» مقاومت کند و در عین حال سیاست امپریالیستی خود را با احتمال توفیق آن تعقیب نماید. افزایش قدرت یک دولت مستلزم آن است که قدرت دولت دیگر نیز حداقل به همان نسبت افزایش یابد و بدین ترتیب ایجاد توازن در نیروهای متضاد تا زمانی که دولت‌های ذی ربط اهداف سیاست‌های امپریالیستی خود را تغییر دهند- اگر کلاً آن را کنار نگذارند- یا تا زمانی که دولتی به امتیاز تعیین کننده‌ای در مقابل دولت دیگر نائل شود یا بپندارد که نائل شده، ادامه می‌یابد. پس از آن، یا طرف ضعیف‌تر تسلیم طرف قوی‌تر می‌شود و یا جنگ مساله را تعیین می‌کند (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۹۶-۲۹۵). نمودار (۱) وضعیت الگوی تضاد مستقیم را نشان می‌دهد.



نمودار (۱): الگوی تضاد مستقیم منبع: مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۹۶

- الگوی رقابت

در الگوی رقابت ابعاد فنی موازنه قدرت مانند الگوهایی است که در بالا مورد بحث قرار گرفت. قدرت «ب» با قدرت «الف» که برای سلطه بر «ج» در مقابل مخالفت «ب» لازم است برابر می‌شود (اگر نگوییم که از آن پیشی می‌گیرد)، در حالیکه قدرت «الف» نیز به نوبه خود اگر از قدرت «ب» برای ایجاد سلطه بر «ج» پیشی نگیرد با آن برابر می‌شود. اما کارکرد دیگر موازنه در اینجا به جز ایجاد ثباتی نامطمئن در روابط میان «الف» و «ب»، عبارت است از حفظ استقلال «ج» در مقابل تجاوزهای «الف» و «ب». استقلال «ج» صرفاً نتیجه روابط قدرت موجود میان «الف» و «ب» است (نمودار ب). اگر در این روابط چرخشی تعیین کننده به نفع دولت امپریالیست «الف» ایجاد شود استقلال «ج» بار دیگر در معرض خطر قرار می‌گیرد. اگر دولت طرفدار وضع موجود یعنی «ب» به امتیازی تعیین کننده و دائمی دست یابد، آزادی «ج» نسبت به آن امتیاز بیشتر خواهد شد. اگر در نهایت دولت امپریالیست «الف» سیاست امپریالیستی خود را کاملاً رها کند یا این سیاست را برای همیشه از «ج» به هدف دیگری یعنی «د» معطوف کند، آزادی «ج» برای همیشه حفظ می‌شود (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۳۰۰-۲۹۷).



با توجه به توضیحات ارائه شده پیرامون دو الگوی موازنه قدرت، می‌توان به این نتیجه رسید که الگوی موازنه قدرت در جنوب آسیا الگوی تضاد مستقیم است؛ چراکه موازنه قدرت در جنوب آسیا پیرامون دو قطب هند و پاکستان شکل گرفته و جبهه گیری این دو کشور علیه یکدیگر نه به دلیل رقابت جهت نفوذ یا سلطه بر کشوری ثالث بلکه به علت اختلافات و تضادهای فی مابین است. پس از استقلال هندوستان از بریتانیا و تجزیه شبه قاره در سال ۱۹۴۷، هریک از دو کشور هند و پاکستان خواهان الحاق کشمیر به قلمرو خود بودند اما این سرزمین به دو قسمت تقسیم شده و بخشی از آن در کشور مسلمان و تازه تأسیس پاکستان قرار گرفته و بخشی دیگر نیز ضمیمه قلمرو هندوستان شد. از آن زمان تاکنون کشمیر همواره به عنوان عامل اصلی اختلاف بین هند و پاکستان باقی مانده و هریک از این دو کشور جهت حفظ و یا افزایش قدرت خود و ایجاد توازن در مقابل دیگری اقدام به یارگیری و ایجاد اتحاد و ائتلاف‌هایی نموده‌اند که این امر باعث شده است تا نوعی از توازن قدرت در جنوب آسیا شکل بگیرد و همانطور که ذکر آن رفت این نوع توازن از الگوی تضاد مستقیم پیروی می‌کند. یکی از این معادلات فرامنطقه‌ای که در سال‌های اخیر براساس الگوی موازنه قدرت شکل گرفته و مورد توجه ویژه هندی‌ها قرار بوده است، محور هند- ویتنام است.

- یافته‌ها و بحث

محور هند- ویتنام را می‌توان یک شراکت استراتژیک واقعی قلمداد کرد؛ چرا که این دو کشور این پتانسیل را دارند که در تمام زمینه‌ها منافع امنیتی متقابل را تضمین کنند. این شراکت به گونه‌ای است که دو کشور تحت هر شرایطی

و بدون هرگونه ملاحظه‌ای به حمایت از یکدیگر خواهند پرداخت. محور هند- ویتنام جنوب آسیا را به منتهی الیه جنوب شرق آسیا پیوند می‌زند. ویتنام در منتهی الیه جنوب شرقی آسیا قرار دارد. این کشور از شمال به چین، از شمال شرقی به خلیج تونکن، از جنوب شرق به دریای چین جنوبی، از غرب به لائوس و کامبوج و از جنوب غربی به خلیج سیام محدود است (جاسبی، ۱۳۷۹: ۱). قرار گرفتن ویتنام در یکی از حساسترین مناطق آسیای جنوب شرقی و همسایگی با چین و همچنین قرار گرفتن در مسیر یکی از پر رفت و آمدترین خطوط کشتیرانی بین‌المللی، بر اهمیت سوق‌الجیشی این کشور افزوده است. هر چند وضعیت سرزمینی و باریکی قلمرو و کشیده شدن این سرزمین در گستره‌ای از ۱۶۵۰ کیلومتر از شمال تا جنوب، ضریب آسیب‌پذیری این کشور در مقابل مخاطرات بیرونی را فزونی بخشیده است، اما همین گستردگی قلمرو و همسایگی با چند کشور و اشراف بر خلیج تونکن، دریای چین جنوبی، خلیج سیام و حاکمیت بر چند جزیره در این حوزه‌ها و ادعای حاکمیت بر جزایر مهم پاراسل و اسپراتلی، استخراج نفت در فلات قاره این کشور و بهره‌برداری وسیع از منابع دریایی و آبیان، ویتنام را به مهمترین کشور منطقه هندوچین تبدیل کرده است. عواملی چون جمعیت زیاد، قابلیت‌های نظامی و توانایی ایستادگی در برابر تهاجمات چینی‌ها چه در اعصار گذشته و چه در اواخر دهه ۱۹۷۰، موجب گردیده است تا غربی‌ها و خصوصاً آمریکایی‌ها، ویتنام را مهمترین حلقه محاصره چین یافته و از این حیث توجه شایانی به این کشور معطوف دارند (مسائلی، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۵).

تا پیش از جنگ دوم هند و چین و سقوط ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۵، رهایی ملی و یکپارچه ساختن کشور، نخستین و مهمترین اولویت سیاست‌های ویتنام شمالی محسوب می‌گردید و سیاست خارجی در درجه دوم اهمیت قرار داشته؛ ابزاری برای نیل به هدف غایی رهایی و وحدت ملی به شمار می‌رفت. با شکست ویتنام جنوبی و تسلط حزب کمونیست بر سراسر ویتنام، این کشور به اردوگاه شرق پیوسته و توانست توان دفاعی خود را تا حد زیادی ارتقاء بخشد. به گونه‌ای که قابلیت دفاعی ویتنام باعث شده است مقامات این کشور در سال‌های اخیر با احساس امنیت نسبی و اطمینان از اینکه احتمال تجاوز خارجی به این کشور بسیار نازل و قابل چشم‌پوشی است، هزینه کمتری را مصروف خرید تجهیزات و ادوات دفاعی و نظامی کرده و بودجه حاصل از صرفه‌جویی در هزینه‌های دفاعی را در سایر بخش‌ها، خصوصاً بخش اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند. از آنجا که از دید رهبران ویتنام، حفظ و حراست کشور در گرو بهبود وضعیت اقتصادی و گشایش معیشت مردم است، سیاست خارجی این کشور نیز در سال‌های اخیر به طور عمده تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی بوده است. نگاهی به اصول سیاست خارجی ویتنام نیز گویای همین مطلب است. کنگره نهم حزب کمونیست که در آوریل ۲۰۰۱ تشکیل شد، رئوس و اصول سیاست خارجی ویتنام را به شرح زیر تعیین نمود:

۱- اجرای مستمر سیاست خارجی بر اساس اصول حراست از استقلال و حاکمیت و نیز در پیش گرفتن رویه شفاف و چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل؛

۲- ویتنام قرن ۲۱ در نظر دارد تا روابط دو جانبه و چند جانبه و چندوجهی را به همه کشورهای قلمروها و مراکز عمده سیاسی و اقتصادی بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، بسط و گسترش دهد و در چارچوب این

سیاست در نظر دارد با همه‌ی کشورها مراودت دوستانه برقرار کند و شریک قابل اعتمادی برای تمام کشورها در جامعه بین‌الملل باشد؛

۳- ویتنام منادی صلح و استقلال و توسعه در جهان خواهد بود؛

۴- جنبه دیگر سیاست خارجی ویتنام، دنبال نمودن هدف صنعتی و مدرن ساختن کشور است. حصول اطمینان از حفظ و حاکمیت ملی، حراست از یک محیط آکنده از صلح و آرامش و ایجاد شرایط مساعد بین‌المللی برای سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی- اجتماعی و صنعتی شدن و مدرنیزاسیون و نوسازی کشور و دفاع از وطن، مورد تأکید کنگره نهم حزب کمونیست ویتنام می‌باشد؛

۵- ویتنام از مبارزه مشترک مردم جهان برای صلح، استقلال ملی و دموکراسی و سوسیالیسم حمایت می‌کند و در این راستا اهمیت خاصی برای احترام متقابل و گسترش دوستی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی و همسایه و قدرتمند قائل است. ویتنام رابطه خود را با کشورهای سنتی و مستقل و در حال توسعه تحکیم خواهد بخشید و در عین حال روابط با کشورهای توسعه یافته و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی را متنوع خواهد ساخت؛ و

۶- الحاق ویتنام به اقتصاد جهانی از طریق همکاری با آ. سه. آن، آسم،^۱ اپک^۲ و نیز مهیا شدن برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی از رئوس خارجی ویتنام است (مسائلی، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۴۱).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، گسترش روابط با همه‌ی کشورها و غلبه عنصر اقتصاد بر اصول سیاست خارجی ویتنام مشهود است. یکی از کشورهای که همواره مورد توجه ویژه ویتنام بوده، هند است. متقابلاً هند نیز در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به ویتنام مبذول داشته است. علت این امر را نیز می‌توان در جایگاه استراتژیک و موقعیت ویژه‌ای این کشور در جنوب شرق آسیا دانست. ویتنام در پیشبرد منافع سیاسی و اقتصادی و امنیت هند در جنوب شرق آسیا و همچنین در موفقیت سیاست «نگاه به شرق» این کشور نقش بسیار مهمی دارد. ویتنام با ثبات سیاسی بالا، اقتصاد رو به رشد با رشد سالیانه ۷ درصد، پتانسیل تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا را دارد. از لحاظ اقتصادی، ویتنام با تأکید بر آزاد سازی و درخواست برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، دور نمای بسیار جذابی برای سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم هند دارد. در خصوص امنیت انرژی، ذخایر نفت دور از سواحل ویتنام، فرصتی برای اکتشاف و سرانجام تأمین نفت مورد نیاز هند است. در مسائل سیاسی و سیاست خارجی، خصوصاً در مورد اصلاح ساختار سازمان ملل و اخیراً پیشنهاد عضویت دائم هند در شورای امنیت، ویتنام یک حامی ثابت قدم برای هند بوده است (Goshal, 2009: 13).

پیرو سیاست «نگاه به شرق» هند، روابط هند و آ. سه. آن در بسیاری از زمینه‌های گسترش یافت. از دیدگاه ویتنام این گسترش روابط یک تغییر استراتژیک در سیاست خارجی هند و شناسایی منافع مشترک در ایجاد صلح و موفقیت منطقه آسیا- پاسیفیک بود (Saghals, 2009: 6). از این رو، ویتنام از نقش روابط مهم بین هند و آ. سه. آن و مذاکرات توافق نامه تجارت آزاد هند-آ. سه. آن حمایت می‌کند. همچنین هند و ویتنام هر دو عضو مکونگ- کونگ^۳

¹- ASEM(Asia-Europe Meeting

²- APEC(Asia- pacific Economic Gooperation)

³- Mekong- Gonga

هستند و این امر می‌تواند ابزاری جهت انجام هماهنگی بیشتر در سیاست‌های دو کشور باشد. علاوه بر این ویتنام از عضویت هند در اپک نیز حمایت می‌کند (en.wikipedia.org, 2009).

ویتنام از جمله کشورهایی است که هند می‌تواند از آن در ایجاد توازن منطقه‌ای در مقابل چین بهره جوید. شاید تلاش‌های هند جهت برقراری روابط استراتژیک با ویتنام بیشتر متأثر از چین باشد، اما بدون تردید وقتی معادلات منطقه‌ای شکل می‌گیرند، خود به خود پاکستان را نیز متأثر خواهند ساخت. بنابراین در گرایش هند و ویتنام به ایجاد روابط استراتژیک، عامل چین و پاکستان هر دو نقش دارند. با این حال طبیعی است که چین در این عرصه عامل تعیین کننده‌تری باشد. هانوی و دهلی نو هر دو نسبت به چین مظنون هستند. در سال ۱۹۹۸ هم نخست وزیر هند، و اجایی و هم وزیر دفاع این کشور یعنی جرج فرناندز، چین را عاملی اصلی تهدید هند قلمداد کردند. همچنین در سال‌های اخیر مقامات ویتنام نیز اظهار داشتند که «به چین اعتماد ندارند» (Kapila, 2001: 9). ظاهراً ویتنام نسبت به اهداف چین مظنون است و از توسعه طلبی پکن نیز نگران است. دلایل هند و ویتنام از اینکه چین را به عنوان عامل تهدید به تصور کشیده‌اند، به شرح زیر می‌باشد:

۱- هند و ویتنام مرزهای طولی با چین دارند. هند در مرزهای خشکی و ویتنام در مرزهای دریایی با چین اختلاف دارند؛

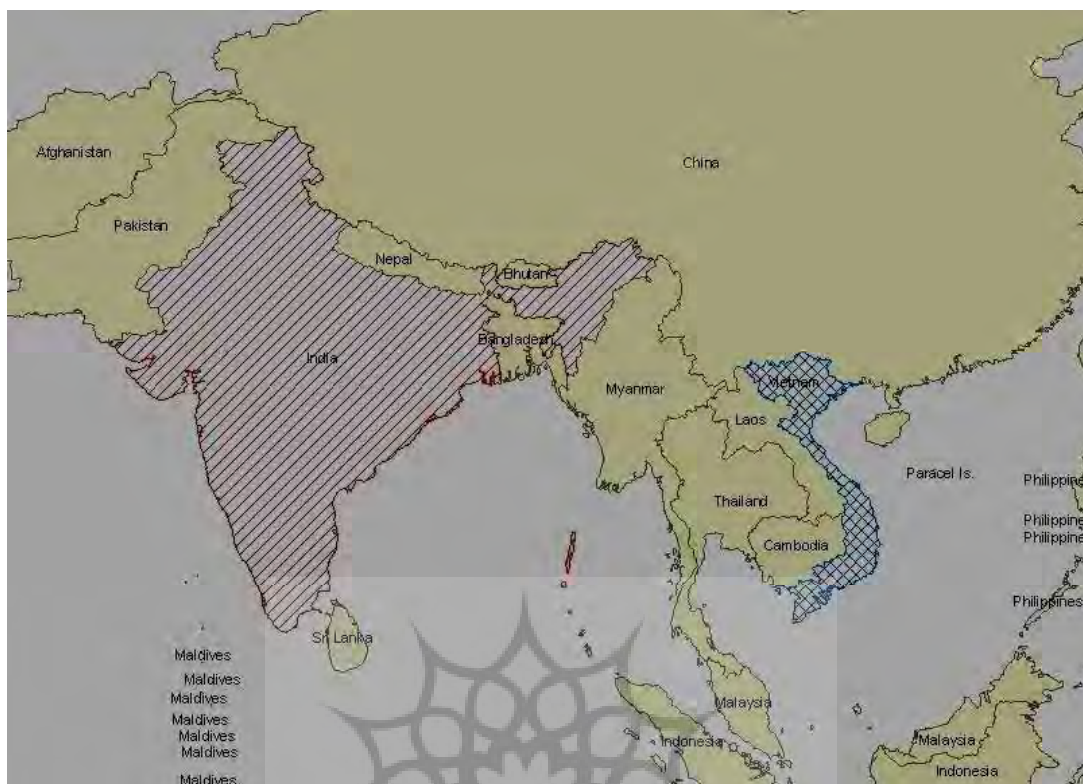
۲- هند و ویتنام هر دو به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۷۹ مورد تجاوز چین قرار گرفته‌اند؛

۳- در سال‌های اخیر چین به کرات مواضع ویتنام را در جزایر اسپراتلی مورد تهاجم قرار داده و در یک مورد به زور شش پادگان را نیز اشغال کرد؛

۴- اظهار تمایل رهبران چین به برقراری روابط دوستانه با هند و ویتنام با سیاست‌های اعمالی و تهاجمی پکن ناسازگار است؛ و

۵- نگرانی‌های استراتژیک چین در خصوص هند و ویتنام، پکن را مجبور کرده تا فشارهای استراتژیکی را به منظور تضعیف هر دو کشور بر آن‌ها وارد آورد. در مورد هند چین تهدید پاکستان را به وجود آورده و در مورد ویتنام، مبارزات نیابتی در کامبوج را شکل داده است. علاوه بر این، چین در مرزهای زمینی و دریایی ویتنام به منظور مقابله با این کشور به بسیج نیروی نظامی پرداخته است (Kapila, 2001: 13).

عامل دیگری که در همکاری‌های استراتژیک هند- ویتنام نقش دارد، موقعیت ژئو استراتژیک و ژئوپلیتیکی ویتنام است. ویتنام با قرار گرفتن در منتهی الیه جنوب شرق آسیا و نیز همجواری با چین و دریای چین جنوبی، از اهمیت استراتژیک ویژه‌ای برای هند برخوردار است. ویتنام به دلیل کشیدگی جغرافیای، دارای سواحل طولانی با دریای چین جنوبی است. روابط نزدیک هند و ویتنام می‌تواند یک جای پای استراتژیک مهم به دهلی نو در دریای چین جنوبی بدهد. امنیت این دریا برای چین بسیار مهم بوده چرا که محموله‌های نفتی چین پس از عبور از تنگه مالاکا وارد دریای چین جنوبی شده و از این طریق به سواحل چین می‌رسند (Kailash, 2015: 11). از این رو وجود یک جای پای استراتژیک در نزدیکی منطقه‌ای که یک نقش اساسی در تأمین امنیت محموله‌های نفتی چین دارد، می‌تواند برای هند بسیار مهم و حائز اهمیت باشد (نقشه شماره ۱).



نقشه (۱): موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی ویتنام

Embassy of the Republic of India in Vietnam: August 2012

بنابر تمام دلایل ذکر شده، شراکت استراتژیک هند و ویتنام شکل گرفته و دو کشور از روابط نزدیکی برخوردارند. به لحاظ تاریخی، روابط سستی میان هند و ویتنام به زمان‌های بسیار قدیم بر می‌گردد. نخستین تماس‌های بین دو کشور در زمینه مذهب و فرهنگ و تجارت بود. در دوران معاصر، روابط بین دو کشور به وسیله رهبران برجسته آن‌ها، رئیس‌جمهور هوچی مین^۱ و نخست‌وزیر جواهر لعل نهرو^۲ شروع شد و به وسیله مردم و رهبران نسل‌های بعد دو کشور ادامه یافت. هر دو کشور دیدارهایی در سطح بالا بین احزاب و دولت‌ها و مجالس و حکومت‌های یکدیگر داشته‌اند. این دیدارهای منظم و سطح بالا به ارتقاء روابط سیاسی نزدیک دو کشور کمک فراوانی کرده است (mofa. gov. vn, 2009: 3).

شاید بتوان گفت مهمترین دیدار سیاسی که بین رهبران دو کشور صورت گرفته است، بازدید نخست‌وزیر ویتنام از دهلی نو در جولای ۲۰۰۷ بود. نخست‌وزیران هند و ویتنام در ۶ جولای ۲۰۰۷ در دهلی نو، رسماً جهت ایجاد «شراکت استراتژیک» بین دو کشور به توافق رسیدند. این شراکت استراتژیک از رشد با دوام هر کشوری و همچنین تلاش و موفقیت برای صلح و ثبات و توسعه و همکاری در آسیا-پاسیفیک حمایت خواهد کرد. به منظور ارتقاء شراکت استراتژیک، رهبران دو کشور جهت تقویت بیشتر پیوندهای سیاسی دو کشور، بر شکل‌گیری یک مکانیسم مذاکره استراتژیک در سطح معاونان وزرای خارجه نیز به توافق رسیدند. آن‌ها همچنین در زمینه ادامه تقویت

^۱- Ho Chi Mihn

^۲- Jawaherlal Nehru

همکاری دفاعی و امنیتی خصوصاً در زمینه تبادل اطلاعات در مبارزه با تروریسم، دزدی دریایی و جرائم فراملی به توافق رسیدند (Goshal, 2009: 9-10).

توافقات انجام گرفته در خلال این دیدار منجر به صدور بیانیه‌ای شد که به «بیانیه مشترک شراکت استراتژیک هند-ویتنام» مشهور است. در این بیانیه مشترک در زمینه همکاری بر روی موضوعات زیر تأکید شد: دیدارهای دو جانبه رؤسای دو کشور در آینده، همکاری‌های سیاسی، دفاعی و امنیتی، مشارکت اقتصادی و همکاری‌های تجاری نزدیک، همکاری‌های علمی و تخصصی، همکاری‌های فنی و فرهنگی و همکاری‌های منطقه‌ای چند جانبه اما مهمترین نکات ذکر شده در این بیانیه به شرح زیر می‌باشد:

- رهبران دو کشور تأکید کردند که روابط هند-ویتنام از ۵۰ سال پیش که توسط نهر و مین پایه گذاری شد، دوستانه و صمیمی بوده است؛

- رهبران دو کشور از همکاری‌های مهم انجام گرفته برای ایجاد مشارکت دو جانبه به وسیله مکانیسم‌های مختلف موجود، نظیر کمیسیون مشترک هند-ویتنام و رایزنی وزارت خارجه هند-ویتنام قدردانی کرده و بر نتایج مهم دیدارهای دو جانبه سطح بالای اخیر در دو کشور تأکید کردند. برای تقویت تفاهم و همکاری بیشتر در زمینه شراکت استراتژیک جدید شکل گرفته بین دو کشور، آن‌ها توافق کردند که گفتگوهای استراتژیکی در سطح معاونان وزیر در وزارت خارجه شکل بگیرد؛

- به رسمیت شناختن نقشی که هند و ویتنام می‌خواهند در امنیت منطقه‌ای بازی کنند. رهبران دو کشور همچنین از توسعه یکنواخت پیوندهای دفاعی و امنیتی بین کشورهاشان ابراز رضایت کرده و بر اهمیت چارچوب نهادی موجود برای تقویت همکاری در زمینه تدارکات دفاعی، پروژه‌های مشترک و همکاری در زمینه تعلیم و تربیت و تبادل اطلاعات تأکید کردند؛

- رهبران دو کشور اذعان کردند که دو کشور منافع دریایی گسترده‌ای دارند. آن‌ها اظهار داشتند به منظور همکاری نزدیک برای تقویت همکاری در ظرفیت سازی، کمک فنی و تبادل اطلاعات بین آژانس‌های وابسته مربوط جهت تضمین امنیت خطوط دریایی شامل مبارزه با دزدی دریایی، جلوگیری از آلودگی دریایی و عملیات تجسس و نجات دریایی به توافق رسیده‌اند؛

- رهبران دو کشور تأکید کردند که دیدارهای دو جانبه بین سازمان‌های امنیتی و دفاعی دو کشور باید تقویت شود. تروریسم را در همه اشکال آن شدیداً محکوم کردند. آن‌ها توافق کردند که جلساتی از سازمان‌های زیربط جهت شناسایی راه‌ها و ابزارهای تقویت و گسترش بیشتر همکاری‌های موجود در مبارزه با تروریسم تشکیل دهند؛

- رهبران دو کشور بر تعهدشان به تقویت نقش سازمان ملل تأکید کردند. آن‌ها همچنین تأکید کردند که سازمان ملل باید نقش بیشتری در یک سیستم چند جانبه بر اساس حقوق بین الملل و اهداف و اصول منشور ملل متحد داشته باشد؛ و

- دو رهبر بر حمایت جدی از انجام اصلاحات در سازمان ملل و ارگان‌های وابسته به آن، خصوصاً شورای امنیت تأکید کردند. آن‌ها تأکید کردند که سازمان ملل باید دمکراتیک‌تر، شفاف‌تر و کارآمدتر باشد؛ به گونه‌ای که بتواند در برابر چالش‌های بی شمار جهان معاصر کارایی بیشتری داشته باشد. نخست وزیر ویتنام اظهار داشت که ویتنام به

طور جدی از انجام اصلاحات در شورای امنیت و گسترش اعضای آن حمایت می‌کند. وی همچنین اظهار داشت که ویتنام از کاندیداتوری هند جهت عضویت دائم در شورای امنیت حمایت می‌کند (english.vietnamnet.vn, 2007: 3).

انتشار این بیانیه را می‌توان نقطه عطفی در روابط دو کشور دانست چرا که این روابط حالت منسجم‌تر و رسمی‌تری به خود گرفت. اما روابط سیاسی نزدیک بین هند و ویتنام منجر به نزدیکی دیدگاه‌های دو کشور خصوصاً در موضوعات دفاعی نیز شده است (Saghal, 2009: 19). فعالیت نیروهای مسلح ویتنام تا اواسط دهه ۱۹۹۰ به دلیل تخصیص منابع مالی اندک و کمبود منابع حمایتی، به ارتقاء و نو سازی نظامی محدود شده بود. از این رو، ویتنام شروع به پروسه نوسازی گزینشی نیروی نظامی و تجهیزات پیشرفته خود نمود. درک ویتنام از تهدیدات آینده، بر روی جنگ‌های هوایی و دریایی متمرکز است. نیروی زمینی بزرگ این کشور برای باز داشتن تهاجم زمینی کافی است؛ با این وجود آن‌ها نیاز به نو سازی و تجهیزات پیشرفته دارند. کشورهای که می‌توانند به ارتقاء و نو سازی اساسی نیروی نظامی ویتنام کمک کنند، ایالات متحده، ژاپن و هند هستند. مشکل کمک نظامی ایالات متحده به دلیل تصویب و دخالت کنگره، زمانبر بودن آن است. ژاپن نیز جهت صدور سخت افزارهای نظامی، توسط قانون اساسی منع شده است. بنابراین هند تنها کشوری است که می‌تواند همگام با منافع امنیت ملی، نقش خود را در تأمین تسلیحاتی ویتنام تکمیل کند. هند به دلیل اینکه در روسی بودن منشاء سلاح‌های خود با ویتنام اشتراک دارد و صنایع بومی هند قطعات چنین سلاح‌هایی را تولید می‌کنند، به طرز خارق العاده‌ای از موقعیت ویژه‌ای برای تأمین نیازهای امنیتی و دفاعی ویتنام برخوردار است (Kapila, 2007: 6-7).

اما علی‌رغم مزیت‌ها و پتانسیل‌های موجود، همکاری دفاعی هند و ویتنام سال‌ها در قالب محدود مبادله هیأت‌های نظامی و بازدید کشتی‌های جنگی از سواحل یکدیگر خلاصه شده بود. بعد از جنگ چین و ویتنام در سال ۱۹۷۹، اولین هیأت‌های نظامی هند از ویتنام دیدن کردند. این روند ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۹۴ در راستای سیاست «نگاه به شرق»، یک توافق نامه همکاری دفاعی میان هند و ویتنام منعقد گردید اما به طور جدی دنبال نشد. ضرورت همکاری نظامی با ویتنام منجر به بازدید وزیر دفاع وقت هند، جرج فرناندز از هانوی در مارس ۲۰۰۰ شد. در این سفر پروتکل تازه‌ای در خصوص همکاری دفاعی دو کشور به امضاء رسید که بر اساس آن:

- چارچوب نهادینه شده‌ای برای بحث‌های منظم و با ثبات بین وزرای دفاع هند و ویتنام شکل گرفت؛

- مباحثاتی برای تبادل اطلاعات استراتژیک صورت می‌پذیرفت؛

- بین نیروهای دریایی و گارد ساحلی دو کشور مانورهایی جهت تقویت همکاری دفاعی برگزار می‌شد؛ و

- نیروهای هوایی هند به آموزش خلبانان ویتنامی مبادرت می‌ورزیدند (Kapila, 2001: 13).

هند در صدد است تا در افزایش ظرفیت نیروی دریای ویتنام به این کشور کمک کند برای:

۱- مقابله با تهدیدات دریایی در دریای چین جنوبی، خلیج تونکن و خلیج تایلند؛

۲- نظارت بر روی چنین منطق گسترده‌ای هم از زمین و هم از هوا به وسیله نیروی دریایی؛ و

۳- محافظت از سکوهای نفتی دور از ساحل ویتنام؛ انجام این وظایف وابسته به نقش موثر نیروی دریایی هند است. از این رو هند می‌تواند کمک‌های با ارزشی در زمینه نوسازی نیروها، ادغام سیستم‌های مراقبت و شبکه‌های ارتباط

الکترونیکی و تعلیم آموزش متخصصان ماهر، به نیروی دریایی ویتنام ارائه دهد. هند به ناچار به نیروی هوایی ویتنام کمک کرده است تا هواپیماهای جنگنده روسی را نو سازی کند و سیستم جنگ افزارها و مهارت‌های نبرد هوایی را برای این کشور فراهم کرده است. با این وجود هند می‌تواند به «بهای دوستی» هلی کوپترهای سبک پیشرفته و سایر تجهیزات هوایی برای هر سه نیروی نظامی ویتنام فراهم کند (Kapila, 2007: 33).

مهمترین نیازمندی امنیتی و دفاعی ویتنام، افزایش بازدارندگی سنتی این کشور خواهد بود. «فرهنگ استراتژیک» ویتنام بر اساس حفظ روابط خوب با چین و در عین حال ایجاد یک بازدارندگی نظامی در مقابل آن شکل گرفته است. هند می‌تواند با فراهم کردن موشک‌های بالستیک Prithvi و موشک‌های کروز Brahmo، به طور اساسی در ایجاد این باز دارندگی به ویتنام کمک کند. این موشک‌ها در هند تولید شده و بنابراین نیازی نیست از دیگر کشورها خریداری شود. هیچ چیز بجز این موشک‌ها تعهد هند به کمک به امنیت ویتنام را برجسته‌تر نمی‌سازد. مدت زیادی است که هند به ارزش شگرف «دیپلماسی نظامی»^۲ پی برده است. این دیپلماسی شامل کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به عنوان ابزار مکمل سیاست خارجی هند می‌شود. در مورد ویتنام، جایی که هند یک «شراکت استراتژیک» نظیر تأمین کمک‌های نظامی پی‌ریزی کرده است، این امر نباید به عنوان یک معامله بازرگانی یا تجاری در نظر گرفته شود، بلکه باید به عنوان «بهای دوستی» (نظیر آنچه چین انجام می‌دهد)، در نظر گرفته شود (Kapila, 2007: 11).

آخرین تحول نظامی مهم بین دو کشور، دیدار وزیر دفاع هند، آ. ک. آنتونی^۳ از ویتنام در سال ۲۰۰۷ بوده است. در این دیدار، وزیر دفاع هند در یک نشست مشترک با همتای ویتنامی خود، ژنرال فونگ کوآنگ تن^۴، اعلام کرد که هند ۵۰۰۰ قطعه از ذخایر یدکی نیروی دریایی متعلق به کشتی‌های نوع پتیا^۵ را به ویتنام واگذار خواهد کرد. وی همچنین اظهار داشت یک هیئت نمایندگی متشکل از یک تیم چهار نفره جهت آموزش عملیات حفظ صلح سازمان ملل در نیمه اول ۲۰۰۸ به ویتنام اعزام خواهد شد. وزرای دفاع هر دو کشور اعلام کردند که برای ایجاد یک گروه کاری مشترک جهت تسهیل امضاء یک یادداشت تفاهم همکاری دفاعی، با هم به توافق رسیده‌اند. همچنین ژنرال فونگ در بیانات خود از هند جهت تعلیم افسران نیروهای مسلح در مناطق مختلف تشکر کرد (Goshal, 2009: 19).

موارد ذکر شده، اقدامات مطلوبی است که هند برای توسعه همکاری‌های دفاعی‌اش با ویتنام در چهار چوب یک هدف استراتژیک صورت داده است. با این وجود، از دید سیاست‌گزاران هندی، ویتنام دارای قابلیت‌های دیگری نیز می‌باشد که دهلی نو می‌تواند با فعال شدن در آن زمینه‌ها، سیاست «ویتنام قوی و مستقل» را پیش ببرد. این قابلیت‌ها عبارتند از:

-نیروی هوایی و دریایی ویتنام دارای جنگ افزارهای روسی هستند که با توجه به فقدان قطعات یدکی و حفاظت و تعمیرات پیشرفته، عملاً محدود شده‌اند، هند می‌تواند در این زمینه کمک مؤثری به ویتنام ارائه دهد؛

¹- Strategic Cultur

²- Military Diplomacy

³- A.K. Antony

⁴- Phung Quang Thank

⁵- Petya

- هند دارای تأسیسات دفاعی قابل توجهی است و می‌تواند آنها را به عنوان کمک‌های بلاعوض و یا با قیمت ارزان و مناسب در اختیار ویتنام قرار دهد؛

- هند حتی تلاش می‌کند تکنولوژی مونتاز موشک‌های هسته‌ای را برای حفظ توازن در مقابل همکاری‌های چین و پاکستان در اختیار ویتنام قرار دهد؛ و

- هند می‌کوشد در سطح وسیعی به آموزش فنی نیروهای نظامی ویتنام مبادرت ورزد (Kapila, 2007: 6).

بدین ترتیب، هند و ویتنام یک همگرایی استراتژیک طبیعی دارند و آن اینکه چگونه می‌توانند در حالی که چین را از نظر دیپلماتیک متعهد نگه دارند، آن را از اعمال خشونت باز دارند. دهلی نو بر این باور است که برای نیل به چین هدفی، ویتنام باید به یک کشور قدرتمند تبدیل شود و در این مسیر هند به لحاظ نظامی، دفاعی، اقتصادی و سیاسی به تقویت آن پردازد. به نظر می‌رسد دهلی نو سعی دارد از وجود دشمن مشترک یعنی چین به عنوان عاملی برای توسعه همکاری‌هایش با ویتنام و ایجاد توازن قدرت در مقابل چین و پاکستان در جنوب شرق آسیا استفاده کند (Kaluzhny, 2014: 9). بدون تردید هر چه سطح تعاملات هند و ویتنام به درجه بالاتری صعود کند، به همان میزان سطح تعاملات ویتنام با چین و پاکستان نزول پیدا خواهد کرد. از این رو، در ترتیبات امنیتی منطقه جنوب آسیا، توسعه مناسبات هند و ویتنام به تضعیف موقعیت پاکستان در این ترتیبات منجر خواهد شد.

- نتیجه‌گیری

امروزه اگرچه تنش‌جات میان قدرت‌های بزرگ کاهش یافته است اما این تنش‌ها در بخش‌های مختلفی از جهان بروز کرده است. بنابراین نیازی پایدار و مستمر برای مدیریت مناقشات و افزایش همکاری وجود دارد. از آنجا که پایان جنگ سرد منجر به منطقه‌ای شدن بیشتر امنیت گشته و مناقشات خشونت آمیز بیشتر از نگرانی‌های منطقه‌ای نشأت خواهند گرفت، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به عنوان کانون منازعات خشونت آمیز و عرصه تلاش برای مدیریت و کنترل این گونه مناقشات در جهان معاصر اهمیت و ارزش فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند. به همین دلیل مسائل امنیتی منطقه جنوب آسیا نیز از زاویه منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفته چرا که مسائل امنیتی این منطقه چنان به هم وابسته‌اند که به وضوح می‌توان نوعی وابستگی متقابل امنیتی را در این منطقه مشاهده کرد. نظم منطقه‌ای حاکم بر این منطقه را می‌توان نظمی دو قطبی با محوریت هند و پاکستان در نظر گرفت؛ زیرا این دو قدرت نوعی از توازن قدرت محلی دو قطبی را درون این مجموعه به وجود آورده‌اند. توازن قدرت شکل گرفته در این منطقه نیز طبق تئوری مورگنتا براساس الگوی تضاد مستقیم شکل گرفته و دوام یافته است. از این رو هر یک از این دو کشور می‌کوشند تا با به کارگیری سایر قدرت‌ها توازن استراتژیک را در منطقه به نفع خود تغییر دهند. در این راستا پاکستان در سطح منطقه‌ای و هند در سطح فرامنطقه‌ای از توفیق بیشتری برخوردار بوده است. هند سعی دارد تا با بکارگیری قدرت‌های خارج از منطقه، ضعف خود در یارگیری منطقه‌ای را جبران کند و در این راستا روابط استراتژیکی با ویتنام پی ریزی کرده است. شراکت استراتژیک هند- ویتنام به عنوان یک شراکت استراتژیک واقعی که می‌تواند در تمام زمینه‌های پتانسیل استراتژیک جهت تحصیل منافع امنیتی دو جانبه توسعه یابد، ظهور یافته است. بنابراین هند باید نگرش و رویکردهای سیاسی خود را جهت پیشبرد چنین شراکتی با ویتنام تغییر دهد و تقویت کند. هند همچنین نیاز دارد از این نگرش که تلاش‌های این کشور برای ایجاد شراکت استراتژیک واقعی نباید حساسیت‌های

سایر قدرت‌ها را در منطقه برانگیزد، فاصله بگیرد. در مورد ویتنام، به نظر می‌رسد که دولت هند نسبت به حساسیت‌های استراتژیک چین حساس است. ویتنام برای هند در جنوب شرق آسیا داری همان جایگاهی است که پاکستان برای چین در جنوب آسیا دارد. به همین دلیل چین نسبت به شراکت استراتژیک این دو کشور حساس است. هند اگر می‌خواهد از حساسیت چین نسبت به این شراکت استراتژیک بکاهد، باید همانطور که چین ادعا می‌کند روابط چین- پاکستان جدای از روابط چین- هند است، به چین بفهماند که روابط هند- ویتنام و هند- چین دو مجموعه جدا هستند و به لحاظ استراتژیک علیه چین نیستند؛ همانطور که چین ادعا می‌کند روابطش با پاکستان علیه هند نیست. در چنین فضایی که هر دو قطب در پی یارگیری و تغییر توازن استراتژیک به نفع خود هستند، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به عنوان قدرتی موازنه گر و یا میانجی بی طرف نقشی سازنده در معادلات منطقه‌ای جنوب آسیا ایفا کند و از این طریق منافع ملی خود را برآورده سازد.

- منابع

- توحیدی، ام البنین (۱۳۸۶). «رویکرد نوین سیاست خارجی هند»، مرکز تحقیقات استراتژیک، به نقل از: <http://www.csr.ir>
- جاسبی، عبدالله (۱۳۷۹). ویتنام: دوران مقاومت، پیروزی، سازندگی، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۴). نظریه‌های مختلف در روابط بین الملل، تهران: قومس.
- علی بابایی، مجتبی (۱۳۷۰). موازنه قوا در روابط بین الملل، تهران: نشر همراه.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین الملل، تهران: قومس.
- لیک، دیوید ای. و پاتریک ام. مورگان (۱۳۸۱). نظم‌های منطقه‌ای، امنیت سازی در جهان نوین، سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مسائلی، محمود (۱۳۸۵). کتاب سبز ویتنام، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴). سیاست میان ملت‌ها، حمیرا مشیرزاده، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- Blank, S. (2015). Natural Allies? Regional Security in Asia and Prospects for Indo-American Strategic Cooperation. DIANE Publishing
- Embassy of the Republic of India in Vietnam: August.(2012)Diplomatist Plus ‘Special Report - India Vietnam: Broadening Frontiers,’ (Embassy of the Republic of India in Vietnam: August 2012). Accessed on 18th June, 2013, At: [www. peopleandmanagement.com/diplomatist2012august/Vietnam2012. pdf](http://www.peopleandmanagement.com/diplomatist2012august/Vietnam2012.pdf) .
- Goshal, B. (2009). India’s Look-East Policy and Vietnam”, at: [http://www. mainstreamweekly. net/article1639. html](http://www.mainstreamweekly.net/article1639.html)
- India, Vietnam join hands for oil exploration in South China Sea,’ The Indian Express, 12th October, 2011. Accessed on 20th June, 2013. At: [http://www. indianexpress. com/news/india-vietnam-join-hands-for-oil-exploration-in-south-china-sea/858958/](http://www.indianexpress.com/news/india-vietnam-join-hands-for-oil-exploration-in-south-china-sea/858958/) .
- India, Vietnam sign accord for cooperation,’ Times of India, 1st May 2003 Accessed on 20th June, 2013, At: [http://articles. timesofindia. indiatimes. com/2003-05-01/india/27264370_1_bilateral-ties-nong-duc-manh-india-and-vietnam](http://articles.timesofindia.indiatimes.com/2003-05-01/india/27264370_1_bilateral-ties-nong-duc-manh-india-and-vietnam) .

- Kailash, K. P. (2015). India – Vietnam Relations: Deepening Bilateral Ties for Mutual Benefit, The project on Indian Development Cooperation Research (IDCR), At: <http://idcr.cprindia.org/blog/india-%E2%80%93-vietnam-relations-deepening-bilateral-ties-mutual-benefit>
- Kaluzhny, M. K. (2014). 'Challenges of Nam Chien Hydro Project in Vietnam,' Paper written for the Ukr hydroproject Consortium Accessed on 2nd May, 2014, At: <http://geotechpedia.com/Publication/Show/2675/CHALLENGES-OF-NAM-CHIEN-HYDRO-PROJECT-IN-VIETNAM> .
- Kapila, S. (2001). "India- Vietnam Strategic Partnership: The Convergence of Interest", South Asia Analysis Group, Paper no. 177; at: <http://www.Saag.Org/Papers2/Paper177.htm> .
- Kapila, S. (2007). Vietnam-India: Time to Make partnership Truly Strategic", South Asia Analysis Group, Paper No. 2169; at: <http://www.southasiaanalysis.org/%5Cpapers22%5Cpaper2169.html> .
- Ministry of Foreign Affairs, "Vietnam - India Relations" (2009). At: <http://www.mofa.gov.vn/en/nr040807104143/nr040807105039/ns070706155209>
- Saghal, M. (2009). "India-Vietnam Relation", at: <http://meaindia.nic.in/meaxpsite/foreignrelation/vietnam.pdf> .
- Sharma, G. (2010). Trace of Indian Culture in Vietnam. Rajkamal Prakashan
- Thayer, C. (2014). "Can Vietnam's Maritime Strategy Counter China?". *thediplomat.com* (The Diplomat). Retrieved 5 October 2014. At: thediplomat.com/2014/09/can-vietnams-maritime-strategy-counter-china
- Vietnam, India issue joint declaration on strategic partnership"(2007). At: <http://english.vietnamnet.vn/politics/2007/07/715169/>
- Wikipedia the Free encyclopedia, "Foreign Relations of Vietnam"(2009). at: http://en.wikipedia.org/wiki/Foreign_relations_of_Vietnam .